

مادری مهربان تر از خورشید مدرسه مهمان یاران جاوید

اصغر بابایی

فهرست:

- مقدمه

- زمزمه های تربیتی زهرا
 - زلالتر از آب زمزم

- مگر خیانت چه هست

- مادران یخچالی
 - آیا عروسکها جای لبخند و محبت مادر را پر می کنند؟

- داستان داوری و مادری

- حقوق کودکان و حقوق مادران

- خلاصه سخن آن که

- نتیجه و خلاصه

مقدمه

شخصیت فاطمه زهرا (س)، در ابعاد گونه‌گون قابل بررسی است.

در هر مرحله از مراحل زندگی وی، لایه‌ها و درسهای بزرگی نهفته است و با کالبدشکافی و موشکافیهای عمیق،

می‌توان درسهای بزرگی آموخت و باید هم آموخت.

یکی از ابعاد زندگی فاطمه زهرا (س)، که خیلی درخشان و دلنواز است، «بعد تربیتی» زندگی حضرت است.

سیره علمی و عملی فاطمه زهرا (س) در امور تربیتی، چیزی نیست که بتوان ظرافتها و لطافت‌های آن را به قلم

آورد و یا اینکه در یک مقال و مقاله بتوان ترسیم کرد.

سیره علمی، تا به مرحله عمل نرسد و عملی نگردد، فایده‌چندانی ببار نمی‌آورد. از سیره عملی فاطمه (س)، در

امر تربیت، سخن بگوئیم، وی را «بانو و کوثر بیکران» و «مادر محبت» معرفی کنیم؛ ولی خودمان در میدان عمل،

بی‌عاری و بی‌پروایی بکنیم، آیا چنین کاری شایسته است؟

زمزمه‌های تربیتی زهرا

زالتر از آب زمزم

وارهیده از جهان عاریه

۳- سایت تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها - گروه فرهنگی محدثه

www.mohaddaseh.ir

info@mohaddaseh.ir

mohaddaseh@gmail.com

ساکن گلزار و «عینّ جاریه» [۱].

آوازه و آرزوهای مادر، به «تربیت» پیوند خورده است.

در حقیقت، مادر «پیش مرگ و سر پیشاهنگ»، امر تربیت است و از جمله دل مشغولیه‌ها و دلجوئیهای دیرینه وی

تربیت فرزند در ابعاد گونه‌گون زندگی است.

از دیدگاه اسلام، «تربیت اسلامی»، خدایی ترین مسئله‌ای است که یک مادر دانا با آن مواجه است.

اسلام دین «تربیت محور» است و در این راستا مردان و زنان بزرگی را با «چراغ هدایت»، جهت ایصال الی

المطلوب و ارائه طریق به سوی بشریت فرستاده است.

مولانا در همین راستا راست گفت:

کلکم راع نبی چون راعی است

خلق مانند رمه او ساعی است

از رمه چوپان نترسد در نبرد

لیکشان حافظ بود از گرم و سرد [۲].

به هر تقدیر، آیا مادران در میدان تعلیم و تربیت به الگوی توانا و زیبا، نیاز دارند یا خیر؟

جای تردید وجود ندارد که همه انسانها نیازمند الگو هستند و دنبال الگوگیری و الگویابی می باشند و این امر، برای انسانهای عاقل، بسیار طبیعی است.

آنچه مهم است و جای دقت دارد، این است که از چه کسی باید پیروی کرد و فرد به عنوان الگو، باید دارای چه شرایط و ویژگیها باشد؟

از دیدگاه اسلام، اولین شرط برای یک الگو، آن است که خود عامل به گفته هایش باشد و سیره عملی و علمی زندگی او به عنوان حجت شرعی و عقلی شناخته شده باشد.

این شرط که الگو باید، سیره عملی و علمی وی حجت باشد جز در مورد انبیا و امامان (ع) مصداق ندارد.

در این نوشتار کوتاه، کوشش شد تا بخشی از فضایل و سیره عملی و علمی فاطمه زهرا (س) در میدان تربیت، به عنوان مادری مهربانتر از خورشید و «مادر محبت» به عنوان الگو، برای مادران بیان گردد. تا میدانی و دریایی به سوی عاشقان گشوده گردد.

زندگی فاطمه زهرا (س) لبریز از لایه ها و لطافت ها است و دسترسی و شناخت عمیق از تمامی لایه ها و لطافت های زندگی معنوی وی، برای همه کس مقدور نیست.

شخصیت معنوی این بانوی «بی کران» متشکل از «بسترهای معنوی» بسیاری است که هر کدام از آنها برای یک زندگی معنوی و معنادار بکار آید.

از این جهت، کوثر بی کران، کاملترین الگویی است که می توان در ابعاد گونه گون زندگی، وی را مقتدای خویش قرار داد، که یکی از «لایه ها و لطافت های» زندگی معنوی وی که بستر معنوی خوبی را برای رشد ربانی و معنوی فراهم می سازد، «بستر تربیتی» زندگی او است.

در «سیره عملی و علمی» زندگی وی، ظرافت ها و دقتها موج می زند.

او مادر است، اما چگونه مادر؟!

مادر امامت است و حسنین در دامن مبارک او تربیت یافته اند.

مادری است که از راه تکان دادن گهواره، برای همیشه جهان را تکان می دهد و از طریق «لالایی و تاتایی های»

حساب شده، جهان و جهانیان را پر از فریادهای عدالت خواهی می کند و به سمت عدالت پیش می راند.

حضرت امیر (ع) در مورد تربیت خانوادگی می فرمایند:

«یا کمیل، مر اهلاً ان یروحوا فی کسب المکارم...»

«ای کمیل! خانواده ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری، و شب ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند.

سوگند به خدایی که تمام صداها را می شنود، هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار

دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان که شتر غریبه را از

چراگاه دور سازد.» [۳].

تربیت کلامی کودکان، از زمزمه های زیبای مادر در قالب «لالایی» و «تاتایی»، آغاز می شود.

از اینجاست که ظرافتهای تربیت، رخ می نماید و یک مادر مسوول را با مشکلات و موانع تربیتی مواجه می سازد.

مادر با زمزمه های «لالایی و تاتایی»، در واقع می خواهد در پاکترین سرزمین وجود کودک که همان هستی و

انسانیت کودک است تصرف کند و تصرف می کند. آیا در چنین حالتی شایسته و بایسته است که مادر، امر تربیت

را سبک و سرسری انگارد؟

آیا زمزمه های کلامی مانند لالایی، تاتایی و غیره مهم نیست و هر لفظ مهمل و بی معنایی که باشد، اشکال ندارد؟

در اینجا جالب است که توجه عزیزان را به یک داستان تربیتی که بسیار جلب توجه می کند جلب نمائیم.

در شعری منسوب به «مادر تربیت» فاطمه زهرا (س) آمده:

اشبه ابا! یا حسن

واخلع عن الحق الرسن

واعبد الها ذا المنن

و لا توال ذا الاحن

یعنی

حسن جان مانند پدرت باش

حق را از بند اسارت رهاساز

خدایی پر فضل و احسان را بپرست

از دشمنان کینه توز دوستی و پیروی مکن [۴].

این سخن زیبا، از جمله نوازش های نورانی حضرت زهرا (س) است به نوزادش حسن (ع). آن زمانی که حضرت،

نوزادش را روی دست بازی می داد و به هوا می پراند و به دنبال آن با وی با زبان کودکانه سخن می گفت، چنین

زمزمه می نمود.

فاطمه زهرا (س)، قبل از آنکه یک مادر باشد، معلم و مدیر شایسته بود. مربی و روان شناسی بود که در عمل،

«تربیت دینی» را کاربردی ساخت و ظرافتهای تربیتی را در خاندان اهل بیت (ع) به نمایش گذاشت.

آنگاه که حضرت زهرا (س) امام حسین (ع) را بر روی دست نوازش می کرد، می فرمود:

انت شبیه بایی؟

لست شبیهها بعلی؟

«حسین جان تو به پدرم شباهت داری و به پدرت علی (ع) شبیه نیستی.»

امام علی (ع) سخنان فاطمه (س) را می شنید و لبخند می زد. [۵].

مادرانی که فاطمه زهرا (س) را الگوی خویش می دانند، آیا در امر تربیت هم این «مادر تربیت» را الگوی خود می

دانند یا خیر؟

اگر فاطمه زهرا (س) را به عنوان الگوی تربیتی قبول دارند – و باید هم قبول داشته باشند – تا به حال چه فکری

کرده اند؟

چه کاری کرده اند؟

چاره ای اندیشیده اند یا خیر؟...

مادری که منتظر مد و تجمل روز است و بازار او را فریفت و گیج کرد، چه کار می تواند بکند؟

او خود به دهها سرپرست و مادر احتیاج دارد تا هستی خود را به ثمن اندک نفروشد.

مادری «فن و هنری» است که هر کس استعداد تحصیل آن را ندارد.

مادری «کلاس عشق» است که به قول مولانا:

در آسمان درها نهی

در آدمی پرها نهی

صد شور در سرها نهی

ای خلق سرگردان تو

مادرانی که به خطا، خویشتن را از «عشق مادری» محروم می سازند، وحشتناکترین گمراهی ها را مرتکب می شوند و خسران ابدی است که نه در زمان و نه در ابدیت جبرانی ندارد.

یک مادر کم حوصله و عصبی، چگونه می تواند به ظرافتهای تربیتی جامه عمل بپوشاند؟

چرا «سورخ دعا را گم کرده ایم»؟

بیائیم قبول کنیم که «تربیت بزرگترین منبع و معدن» است و ما، در کشف و بهره برداری آن مشکل داریم.

چند درصد از مادران، همانند فاطمه زهرا (س)، زمزمه ها و سایر رفتارهای تربیتی آنها حساب شده و با

«استانداردهای تربیت اسلامی» سازگار است؟

آیا شعر: اتل متل توتوله، گاو حسن چه جوهره... با استانداردهای تربیت اسلامی می سازد؟

آیا یاد دادن چنین جملاتی، اولین وظیفه برخی ها است؟

مادری که دختر هفت تا ده ساله خویش را تقریباً «نیمه عریان» در معرض دید عموم قرار می دهد، چه تضمینی

برای حجاب اسلامی و تربیت او دارد؟ چرا عده ای به نام مادر، به بچه ها و فرزندان خیانت می کنند؟

[۱] مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۷۶۷، اشاره به آیه ۱۲ غاشیه.

[۲] همان، دفتر سوم.

[۳] نهج البلاغه، حکمت ۲۵۷.

[۴] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۹.

[۵] همان.

مگر خیانت چه هست

خیانت به این نیست که سر کودک را از قفا جدا بکنند، هر کاری که روح و اندیشه کودک را خدشه دار کند، خود

بزرگترین خیانت است و هیچ خیانتی، عمق فاجعه اش، عمیق تر از خیانت در امور تربیتی نیست و گناه آن

بابخشودنی است.

به هر حال، تا شور و شعور لازم در امر تربیت تحقق پیدا نکند و تا زندگی را سراسر عشق نبینیم، تربیت انقلابی و

یا پاکسازی و خودسازی، نوسازی انقلابی تحقق پیدا نمی کند و به بار نمی نشیند.

[۱] سوره اسرا، آیات ۱۷ - ۲۳ - ۲۴.

[۲] بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۱۰۴.

[۳] محمد، دشتی، «نهج الحیاه - فرهنگ سخنان فاطمه» قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، ۱۳۷۵، ص ۷۴.

[۴] ای. اف. شوماخر، «کوچک زیباست» علی رامین، تهران: صدا و سیما، چهارم، ۱۳۷۸، ص ۶۱.

[۵] مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۱۵۲۹ - ۱۵۳۱.

مادران یخچالی

تربیت منهای محبت، آب در هاون کوبیدن است.

کتاب کریم می فرمایند:

«و قضي ریا الا تعبدوا الا اياه و بالوالدين احسانا، اما يبلغن عندا الكبر احدهما او كلاهما فلاتقل لهما اف و لا

تنهرهما و قل لهما قولاً کریماً، و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه و قل رب ارحمهما کما ربینا صغیراً؛

پروردگارت مقرر داشته است که جز او را نپرستید، به پدر و مادر نیکی کنید، چنانچه یکی یا هر دوی آنها نزد تو

به پیری رسیدند کلمه ای رنجش آور به آنها نگو، و بر سرشان فریاد نزن، و با اکرام با آنها سخن بگو، و با آنها

خاکساری و مهربانی کن، و بگو: پروردگارا همانگونه که آنها مرا در کودکی پرورش دادند، تو نیز آنها را مشمول

رحمت خود قرار بده.» [۱].

ظاهر آیه یک معنای روشنی دارد و آن مهربانی و احترام به والدین است. ولی آنچه مهم است و از روح و معنای

پنهان این دو آیه استفاده می شود، این است که وقتی پای تربیت انسانی و اسلامی به میان آمد، در مرحله اول

والدین باید این آیات را در عمل تفسیر کنند و یکی از دستورالعمل های کار تربیتی خود قرار دهند تا در مرحله

بعدی نوبت به فرزندان برسد.

مادری که می خواهد کار تربیتی معنادار انجام دهد، خود باید:

۱ - به فرزندان نیکی کند.

۲ - هنگام ناتوانی در دوران نوزادی و کودکی، و یا دوران دیگر، حتی به آنها اف نگوید.

۳ - بر سرشان فریاد نزنند.

۴ - با اکرام با آنها سخن بگویند.

۵ - با آنها خاکساری و مهربانی کند و بال و پر پر مهر و آغوش گرم خویش را به سوی آنها بازگشاید.

۶ - از خداوند برای فرزندان، طلب سعادت و رحمت بکند.

فاطمه زهرا (س) که خود قرآن ناطق و مفسر کبیر است، یقیناً در کار تربیتی، این نکات ظریف و عمیق قرآنی را کاربردی ساخت و بدان جامعه عمل پوشاند.

در روایت آمده، امام حسن (ع) مریض شد و درد و بی تابی آن بزرگوار بالا گرفت، حضرت زهرا (س) فرزند عزیزش را خدمت رسول خدا برده:

«قالت: یا رسول الله ادع الله لابننا ان یشفیة، ای رسول خدا! پروردگارت را بخوان تا فرزندت را شفا دهد.» [۲].

در جای دیگر آمده، حضرت زهرا (س) با یاد روزگار شیرین و محبت‌های رسول خدا، خطاب به کودکان خود فرمود:

«این ابوکمما الذی؟ کان یکرکمما و یحملکمما مرده بعد مره؟»

این ابوکمما الذی؟ کان اشدذ الناس شفقه علیکمما؟

فلا یدعکمما تمشیان علی الارض و لا اراه یفتح هذا الباب ابدًا و لا یحملکمما علی عاتقه کما لم یزل یفعل بکمما؟

کجاست پدر مهربان شما دو فرزندم؟ که شما را عزیز و گرامی می داشت، و همواره شما را بر روی دوش خود می گرفت، و نمی گذاشت بر روی زمین راه روید.

کجاست پدر شما که مهربان ترین مردم نسبت به شما بود.

دیگر هرگز او را نمی بینم که این درب منزل را باز کند، و شما را بر دوش خود گیرد، همان رفتاری که همواره نسبت به شما انجام می داد.» [۳].

با این شیوه با فرزندان سخن گفتن، در واقع یک دوره کامل، کلاس «آموزش محبت» است. همان کلاسی که پدر بزرگوارش برای وی برگزار کرد، خود دارد برای فرزندان دلبنده خویش برگزار می نماید. این همان کلاس کاربردی عملی است، که از زیباترین کلاسهاست.

فاطمه زهرا (س) «مادر محبت» است و با محبت معنادار وی باید جهان هدایت می شد. اگر با وجود الگوی تربیتی چون فاطمه زهرا (س)، عده کثیری از مادران مسلمان با مشکل تربیتی مواجه هستند، این به خاطر آن است که:

اولا شناخت و معرفت عمیق، نسبت به شخصیت الگو ندارند.

ثانیا شناخت و تلقی و برداشت درست از تربیت اسلامی ندارند.

ثالثا برخورد و رفتارشان در امر تربیت محبتآمیز نیست.

رابعا بسیاری از مادران و پدران تربیت را به عنوان بزرگترین منبع، به حساب نمی آورند.

نویسنده کتاب «کوچک زیباست» که یک بحث اقتصادی در آن مطرح شده است، یکی از عناوین بحث کتاب را «تربیت، بزرگترین منبع» قرار داده است.

می گوید:

«عامل اصلی همه توسعه های اقتصادی از ذهن آدمی برمی خیزد. ناگهان، شهامت، قدرت ابتکار، اختراع، تکاپوی

سازنده، نه تنها در یک زمینه بلکه در بسیاری زمینه ها در آن واحد از وجود آدمی فوران می کند... بنابراین می

توان گفت که تربیت حیاتی ترین منبع برای بشریت است.» [۴].

به هر تقدیر، اگر ظرافتهای تربیتی که «مادر مهربان» فاطمه زهرا (س)، آنها را در امر تربیت بکار می گرفت، در

زندگی انسانی - اسلامی مسلمانان جامه عمل پوشیده می شد، می بایست در انتظار می ماندیم که:

از محبت تلخها شیرین شود

از محبت مسها زرین شود

از محبت دردها صافی شود

از محبت دردها شافی شود

از محبت مرده زنده می کنند

از محبت شاه بنده می کنند [۵].

متاسفانه و صد متاسفانه یکی از مشکلات بسیار بزرگ بر سر راه تربیت، «فقر شادی و فقر محبت» است. از چهره

و رفتار برخی از نوجوانان و جوانان کمبود محبت و فقر شادی می بارد.

برخی از والدین، آنقدر نسبت به فرزندان بی مهربی و نامهربانی می کنند که بهتر است از آنها به «والدین یخچالی»

نام ببریم.

مادری که مسوولیت خطیر مادر شدن را پذیرفت، چگونه آغوش محبت و مهربانی به سمت و سوی فرزندان باز

نمی کند؟

آیا تمامی مشکلات بر سر راه تربیت را می توان با «عروسک انبوه» حل و فصل کرد؟

برخی ها، کودک را بمبارانی از عروسکهای عاجز و عجیب و غریب می کنند و اجازه فکر کردن را از بچه ها می گیرند.

[۱] سوره اسراء، آیات ۱۷ - ۲۳ - ۲۴.

[۲] بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۱۰۴.

[۳] محمد، دشتی، «نهج الحیاه - فرهنگ سخنان فاطمه» قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، ۱۳۷۵، ص ۷۴.

[۴] ای. اف. شوماخر، «کوچک زیباست» علی رامین، تهران: صدا و سیما، چهارم، ۱۳۷۸، ص ۶۱.

[۵] مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۱۵۲۹ - ۱۵۳۱.

آیا عروسکها جای لبخند و محبت مادر را پر می کنند؟

برخی از مادران کم حوله و بعضا عصبی می خواهند، فقط بچه ها را سرگرم بکنند، دیگر مهم نیست با چه چیز آنها را سرگرم بکنند؟

کسی با عروسک و اسباب بازی مخالف نیست، سخن بر سر این است که:

۱- عروسک جای لبخند، بوسه، نوازش و محبت مادر را پر نمی کند و مشکلات بر سر راه امر تربیت را، تنها با اسباب بازی، نمی توان حل و فصل کرد.

۲- فرزندان را بمبارانی از عروسک و اسباب بازی کردن و قدرت تفکر و خلاقیت را از بچه ها گرفتن درست نیست.

۳- در بازار خرید و فروش عروسکها و اسباب بازی، باید حد و مرزی باشد و والدین عزیز، هر اشیایی را به نام اسباب بازی و عروسک نخرند و بدانند که پشت بعضی از اشیا به نام عروسک، غرض و مرضهای زیادی خوابیده است.

عروسکی که با باطری روشن می شود و شروع به رقصیدن می کند، چه آثاری در ذهن صاف کودک ببار میآورد و چه پیام و پیامدی دارد؟

مادر باید در امر تربیت، هدفمند، اهل شناخت و مطالعه، با حوصله و صبور، مدیر، مهربان و با ادب، با عاطفه و... باشد.

بهشت را به بها زیر پای مادران می گسترانند، نه به بهانه.

تا با دست مبارک مادران، جهان به لرزه درنیاید و تا در دامن و آغوش گرم مادران، گرمای محبت به جهان صادر نشود... و تا تربیت به مرز استاندارد اسلامی نرسد، هدف اسلام عزیز تامین نمی شود. هدف اسلام عزیز و مورد دعوت دین اسلام، همه بشریت هستند و رسیدن به سعادت از کانال محبت و تربیت.

داستان داوری و مادری

اگر مادری با داوری بین فرزندان مواجه گردد چه باید بکند؟

داوری و قضاوت، از ظرافت و لطافت خاصی برخوردار است و این امر بر کسی پوشیده و پنهان نیست. ولی داوری بین فرزندان و کودکان، ظرافت و لطافت کار را صد چندان می نماید.

– ذهن صاف و دست نخورده کودکان

– روح لطیف و ظریف آنها

– داوری توام با تربیت

– فضای ذهن کودک و محدودیت های آن، همه و همه دست به دست هم می دهند و کار داوری بین فرزندان و کودکان را با مشکل مواجه می کند.

آیا مادران می توانند داوران خوبی برای فرزندان و کودکان خود باشند؟

در اینجا توجه عزیزان را به یک داستان جالب توجه، که از طرف «مادر محبت» حضرت زهرا (س)، صورت گرفت، جلب می نمائیم.

داستان داوری بدین قرار است که:

«رسول گرامی اسلام درباره مسابقه خطاطی به حسن و حسین (ع) سفارش فرمود:

هر کس خط او زیباتر است، قدرت او نیز بیشتر است.

حسن و حسین هر کدام خط زیبایی نوشتند، اما رسول خدا قضاوت نکرد و آن دو بزرگوار را به مادرشان، فاطمه (س) هدایت فرمود، تا نگرانی قضاوت، با عاطفه مادری جبران شود.

حضرت زهرا (س) دید که هر دو خط زیبا و هر دو در این مسابقه هنری شرکت نموده اند، چه باید کرد؟ با خود گفت:

قالت: انا ماذا اصنع و کیف احکم بینهما؟

من چه می توانم بکنم و چگونه میان دو کودکم داوری کنم؟

قضاوت نهایی را به تلاش خودشان ارتباط داد و فرمود:

یا قرتی عینی انی اقطع قلاذتی علی راسکما و انشر بینکما جواهر هذه القلاذہ فمن اخذ منها اکثر فخطده احسن و تکون قوته اکثر.

ای نور دیدگانم! من دانه های این گردنبنند را با پاره کردن رشته آن بر سر شما می ریزم و میان شما دانه های گردنبنند را پخش می نمایم. هر کدام از شما دانه های بیشتری بگیرد، خط او بهتر و قدرت او بیشتر است.» [۱].
به حق، ظرافت و زیبایی از لابلای این داوری، موج می زند.

این داستان حق، دارای لایه هایی است و آمادگی دارد دریای بیکرانی از داوریهای زیبا را به دینداران و مادران بگشاید و مسیر زندگی انسانها را عوض کند. البته این داستان از باب «مشت نمونه خروار» است و از این قبیل مطالب در سیره علمی و عملی امامان (ع) موج می زند و فراوان است.

حال مادران در مورد این داوری، خود به داوری بنشینند و خودشان را در امور تربیتی محک بزنند!
از دیدگاه قرآن و امامان، امر تربیت و ظرافتهای آن بسیار جدی است و ذره ای کوتاهی در آن روا نباشد.
ذهن، اندیشه، روح و انسانیت چیزی نیست که به راحتی بتوان از کنار آن گذر کرد و یا آن را نادیده گرفت.
علی (ع) می فرماید:

«لا غنی کالعقل و لا فقر کالجهل و لا میراث کالادب، و لا ظهیر کالمشاوره؛ هیچ ثروتی چون عقل، و هیچ فقری چون نادانی نیست. هیچ ارثی چون ادب، و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست.» [۲].

[۱] محمد، دشتی، همان، یا بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۹۰، ح ۳۶.

[۲] نهج البلاغه، حکمت ۵۴.

حقوق کودکان و عقوق مادران

رسول اکرم (ص) می فرمایند: «یا علی یلزم الوالدین من ولدهما ما یلزم لهما من عقوقهما» [۱].

یا علی (ع)، همانطوری که فرزندان ممکن است عاق والدین گردند، والدین هم ممکن است عاق فرزندان گردند.

همانطوری که حقوق طرفینی و فراگیر است، عقوق (ضیق و سختی ها) هم، طرفینی است.

از دیدگاه اسلام، به یک اعتبار، حقوق به دو قسم تقسیم می گردد:

۱- حقوق مادی، ۲- حقوق معنوی.

صاحبان حقوق، عموم مردم می باشند و مرد و زن، پیر و جوان، حتی رحم (بچه در شکم مادر)، صاحبان حق محسوب می شوند.

تربیت انسانی اسلامی، از جمله حقوق معنوی محسوب می شود و نتیجه آن، پیام یا پیامد بزرگی را به همراه خواهد داشت.

آنچه در بین عرف و عموم مرسوم است و شیوع دارد مساله «حقوق و عقوق» والدین است و در اذهان حک شده است که در صورت سرپیچی فرزندان از والدین، فرزندان مورد عاق والدین قرار می گیرند و در دنیا و آخرت پیامدهای بدی در انتظار فرزندان خواهد بود.

این نکته درست، اما حقوق فرزندان چه؟

آیا در صورت سهل انگاری و بی توجهی به امر تربیت، والدین مورد عاق فرزندان قرار نمی گیرند؟ یقیناً چنین است و در صورت کوتاهی در امر تعلیم و تربیت، پیامدهای بسیار بدی در انتظار پدر و مادر خواهد بود.

مادری که به خاطر چشم به هم چشمیهای کور و مدستائیها و مدپرستی های پلید، شوهر را زیر سوال می برد و با شخصیت و مردانگی او بازی می کند، آرامش خانواده را به هم می پاشد و برای امر تربیت ذره ای ارزش قابل نمی شود، مورد عاق فرزندان قرار نمی گیرد و حقوق آنها را پایمال نکرده است؟!

مادری که می تواند فرزندش را همانند حسین فهمیده، تربیت بکند و باید هم چنین بکند، ولی به خاطر توقعات بیجا و کور، و سرگرمیهای فریبنده، فرزندش با همان استعداد و آمادگی سرشار، سر از زندان درمیآورد، چه جوابی دارد؟

عده ای می گویند در ایران نمی شود کار فرهنگی و تربیتی عمیق و هدفمند انجام داد. ولی باید گفت: چطور شد، پدر وزیری، وقتی پسرش در پاکستان متولد شد، و استعداد و نبوغ خاصی را در پسرش شناسایی کرد، مسئله را با یکی از بزرگان محلی در میان گذاشت، آن عالم، گفت: شما در پاکستان نمی توانید به هدف برسید، بهترین و مناسب ترین جا برای رشد و کار فرهنگی، ایران است و شما بروید ایران. آقای وزیری، راهنمایی عالم محل را پذیرفت و آمد قم مقدس و الاذن که پسرش حدود شانزده سال سن دارد، حافظ کل قرآن، حافظ کل نهج البلاغه، حافظ بیش از هفتاد دوره کتاب، در گرایشهای مختلف اعم از روایات، فقه، رجال، تفسیر وغیره.

خلاصه یک خانواده پنج نفره، کلشان حافظ کل قرآن هستند و زندگی بسیار ساده هم دارند.» با این مقدمه، برویم سراغ اصل بحث، و ببینیم رابطه پدر فرزندی بین رسول اسلام (ص) و فاصله زهرا (س) چگونه بوده است؟

شیخ صدوق می فرمایند:

«رسول گرامی اسلام (ص) هر گاه به مسافرت می رفت، با فاطمه (س) خداحافظی می کرد و وقتی از سفر برمی

گشت، ابتدا به دیدن فاطمه می شتافت.

در یکی از مسافرت های پیامبر (ص)، حضرت زهرا (س) دو دستبند نقره و یک جفت گوشواره برای خویش و یک

پرده برای درب منزل خرید، پیامبر (ص) از مسافرت بازگشت و به دیدار دختر شتافت.

پس از مشاهده پرده خانه و زیور آلات ساده فاطمه (س) توقف کوتاهی کرد و به مسجد رفت.

حضرت زهرا (س) با خود اندیشید که پدر ناراحت است و فوری دستبند و گوشواره و پرده را درآورد و خدمت

رسول خدا فرستاد و پیام داد:

«قالت: تقرا علیا ابنتا السلام و تقول اجعل هذا فی سبیل الله» دخترت برای تو سلام می فرستد و می گوید که این

[زیور آلات اندک] را نیز در راه خدا انفاق کن.

پیامبر (ص) پس از مشاهده بخشش و ایثار فاطمه (س) سه بار فرمود:

«فداها ابوها؛ پدرش فدای او باد.» [۲].

در مقابل، حضرت زهرا (س) درباره عواطف گرم پدرانه رسول خدا (ص) مطلبی را نقل فرمود که قابل توجه و

ارزیابی است:

وقتی آیه ۶۳ سوره نور نازل شد که:

«رسول خدا را آنگونه که همدیگر را صدا می زنید، نخوانید»

فاطمه زهرا (س) می فرماید:

ترسیدم که رسول خدا را به لفظ «ای پدر» بخوانم.

من [هم مانند دیگران پدر را] به نام «یا رسول الله» صدا زدم.

ابدین خاطر [پیامبر، یک بار، یا دوبار، یا سه بار از من روی گردانید [و پاسخ نگفت]. سپس رو به من کرد و فرمود:

ای فاطمه (س) این آیه درباره تو و خانواده تو و نسل تو نازل نشده است. تو از من هستی و من از تو هستم.

همانا این آیه برای ادب کردن جفاکاران درشت خوی قریش، انسانهای خودخواه و متکبر، نازل شده است.

مرا با جمله «ای پدر» خطاب کن که مایه حیات قلب من است و خداوند را خشنود می کند. [۳].

این گونه مطالب در سیره عملی پیامبر (ص) و فاطمه زهرا (س) و امامان (ع) موج می زند و اینجا دیگر سخن از

عقوق والدین و فرزندان نیست، سخن از حقوق محض است و اخلاق جهانشمول.

نقش تربیتی اینگونه روابط، بسیار بالا است و انسانیت و عاطفه در آن، بسیار فراوان و ریشه دار.

تا بحال، در هیچ جای دنیا، چنین روابطی بین «پدر و دختر» صورت نگرفته است. این رابطه، بر خلاف همه روابط

معروف در دنیا دارای شان نزول است و همیشه تاریخ، درس آموز.

این جمله پیامبر (ص) که در حق فاطمه زهرا (س) فرمود:

«فداها ابوها»، به بلندای تاریخ پیام تربیتی دارد.

این جمله گرانسنگ، می تواند میزان و محک بسیار مناسبی باشد، تا همه کسانی که با امور تربیتی در ارتباط و

تماس هستند عموماً و والدین خصوصاً، خودشان را در معرض محک قرار دهند و فاصله ها را آسیب شناسی کنند.

اگر فاصله ها زیاد هست، که زیاد هم هست چرا؟

چه باید کرد؟

[۱] بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۶۰، ح ۳، باب ۴۳.

[۲] محمد دشتی، همان.

[۳] همان.

خلاصه سخن آن که

مردم عصر فضا و تکنولوژی عموماً و مسلمانان خصوصاً، دنبال آن چیزهایی که به جد باید باشند، نیستند، و دنبال

آن چیزهایی که اصلاً نباید باشند، هستند. و به عبارت دیگر «سورخ دعا را گم کرده اند».

دکور و تجمل، مسلح شدن به مد روز، هماهنگی و همراهی با بازار، رقابت کور با همسایه در ظاهرسازی، پیروی و

الگوگیری سریع از وامانده ها و سرخورده های غربی، دنبال هر خس و خاشاک، روانه شدن، روی آوردن به مواد

مخدر، به بهانه عروسی ادا و اطوار درآوردن، ریخت و پاش فراوان، سر و صداها و روی آوردن به سوی صداهای

آلوده و... همه و همه برای آنها مهم است و سراسیمه دنبالش می دوند ولی امر تربیت، قناعت زیبا، محبت و مدارا،

الگوگیری دینی و ارزشی، حلال و حرام الهی، روح قرآن، سیره عملی امامان و معصومین (ع) برادری و برابری،

تعهد دینی و... چندان برایشان مهم نیست و به راحتی از کنارش گذر می کنند.

متأسفانه عده ای از مسلمانان که زیاد هم هستند، از سیره عملی امامان و معصومین الگو نمی گیرند ولی از غربی،

آنهم غربی بنجول و سرخورده از زندگی، الگو می گیرند و در جامعه دینی، انگشت نمایی می کنند.

به هر تقدیر، مادران بدانند، که با اندک توجه، می توانند زمینه های زندگی بسیار زیبا را فراهم کنند.

مگر حضرت زهرا (س) از چه ابزارهای تربیتی استفاده می کرد که مادران عصر فضا با آن امکانات بی بهره

هستند!؟

فاطمه زهرا (س)، فقط روح و اندیشه بلند داشت و بس.

ابزارهای تربیتی حضرت، عاطفه بود و محبت.

بینش بود و هدفمندی.

و جاذبه بود و جانفشانی در امر تربیت.

نتیجه و خلاصه

امور تربیتی و ظرافتها و لطافت های آن، مقام و منزلت مادر و مسوولت پذیری وی، الگو بودن فاطمه زهرا (س) در

«سیره علمی و عملی» در این نوشتار، مثلث بحث را تشکیل می دهد.

امر تربیت، به عنوان بزرگترین منبع و از خدایی ترین مسئله ای است که هر انسان مسوول با آن روبرو است و

کوتاهی در این امر تمام هستی یک انسان را زیر سوال می برد.

کسی که بیش از همه در میدان تعلیم و تربیت نقش ایفا می کند مادر است، و مادر اولین فردی است که کار

تربیتی را آغاز می کند و در این جهت تمام حرکات و رفتار مادر، اعم از زمزمه ها و لالایی، لبخند، نفس کشیدن،

ظاهر و باطن، تاثیر عمیقی بر کودک و روح او می گذارد و مثلث شخصیت وی را تشکیل می دهد.

اگر مادران در امر تربیت کوتاهی بکنند و به عنوان مادران بی مسوولیت معرفی و معروف گردند، عقوق و عوارض

بدی در انتظار آنها است و هیچ عذری پذیرفته نیست.

در پایان باید گفت، آنچه می تواند مادران و فرزندانشان را در امر تربیت، بیمه کند، عمل کردن به «سیره و رفتار

عملی و علمی» فاطمه زهرا (س) است و لا غیر.

۲۵- سایت تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها - گروه فرهنگی محدثه

www.mohaddaseh.ir

info@mohaddaseh.ir

mohaddaseh@gmail.com

